

پژوهش تحلیلی هنر قاشق تراشی در خوانسار از دیرباز تاکنون

مقاله پژوهشی (صفحه ۱۳۶-۱۲۲)

محسن محرابی^۱، حسین صدیقیان^۲

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه اصفهان

۲- استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول)

DOI: 10.22077/NIA.2021.4554.1513

چکیده

در ایران تولید آثار چوبی و هنرهای وابسته به آن از گذشته تاکنون جایگاه ویژه‌ای بین هنرمندان و صنعتگران داشته‌است؛ اما متأسفانه تولید و تزئین برخی از این آثار مانند هنر قاشق تراشی، بنا به دلایل گوناگون، با افول مواجه شده‌است. قاشق تراشی یکی از هنرهای سنتی ایران بوده‌است که در گذشته، تعداد زیادی از هنرمندان مثبت‌کار در برخی شهرها همچون خوانسار و آباد به این حرفه مشغول بوده‌اند؛ اما در حال حاضر به‌جز چند هنرمند، دیگر کسی به این حرفه مشغول نیست. یکی از شهرهای معتبر ایران در زمینه هنر قاشق تراشی، خوانسار است که در گذشته کارگاه‌های فراوانی در آن آثار را تولید می‌کردند. در ارتباط با قاشق‌های سنتی تولیدشده در این شهر، تاکنون پژوهش مستقل و هدفمندی صورت نگرفته‌است و ضرورت داشت که به این هنر سنتی رو به فراموشی پرداخته شود. بر همین اساس هدف اصلی پژوهش حاضر توصیف و تحلیل هنر قاشق-تراشی خوانسار است. روش پژوهش توصیفی تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات در آن، شامل مطالعات میدانی، پرسش‌های شفاهی محلی، مطالعات موزه‌ای و مطالعات کتابخانه‌ای است. با توجه به مطالعات صورت گرفته، چنین مشخص می‌شود که در خوانسار و حداقل از اوایل دوره قاجاریه به بعد، در مراکز هم‌چون آباد، انواع مختلفی از قاشق‌های چوبی، به‌ویژه افشره‌خوری‌های زیبا تولید می‌شد؛ اما شاخصه تقریباً متمایز خوانسار نسبت به دیگر مراکز، تولید آثار یک‌تکه ساده یا تزئینی است که در نتیجه آن، انواع متعددی از قاشق‌های کوچک و بزرگ با کاربری‌های گوناگون تولید شده‌است.

واژه‌های کلیدی: قاشق تراشی، خوانسار، دوره قاجاریه، مثبت‌کاری، افشره‌خوری

1- Email: mohsen.mehrabi395@gmail.com

2- Email: Sedighian.h@lu.ac.ir

پژوهش حاضر بررسی، تحلیل و مقایسه قاشق‌های چوبی تولیدی خوانسار از گذشته تاکنون است. این مطالعات در جهت پاسخگویی به این پرسش مهم است که انواع قاشق‌های تولیدی شهر خوانسار و شاخصه‌های متمایز و اصلی هنری آن‌ها مشخص شود. در پژوهش حاضر ابتدا سیر تحول تاریخی هنر قاشق‌تراشی خوانسار بررسی می‌شود و سپس انواع قاشق‌های تولیدی شهر و ویژگی‌های تزئینی آن‌ها بررسی، مقایسه و تحلیل می‌شوند.

پیشینه پژوهش

در ارتباط با قاشق‌های چوبی تولیدی خوانسار تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته و تنها اطلاعات پراکنده‌ای در برخی منابع همچون کتاب گلستان خوانسار (زهرائی، ۱۳۷۰) و شهر خوانسار در عصر قاجار (کریمیان و صدیقیان، ۱۳۹۷)، دیده می‌شود. همچنین در یک مقاله مستقل که به بررسی آثار چوبی تولید خوانسار پرداخته شده، به صورت مختصر به قاشق‌تراشی شهر اشاره شده است (صدیقیان و صادقی، ۱۳۹۲). جز این موارد، فقط در بین گفته‌های منابع تاریخی مختلف و برخی اشارات می‌توان شواهدی از هنر قاشق‌تراشی شهر پیدا کرد. در این منابع نیز عموماً و در ذکر تولیدات شهر، به قاشق‌تراشی نیز پرداخته شده یا بعضاً در توصیف مجالس و میهمانی‌ها اشاراتی هم به قاشق‌های چوبی و دلیل یا نحوه کاربرد آن‌ها پرداخته شده است؛ مانند اشارات تاورنیه^۲ و شاردن^۳ در دوره صفوی و دالمانی^۴ و ژوبر^۵ در دوره قاجاریه (شاردن، ج ۴، ۱۳۷۲: ۱۳۵۷؛ دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۳۱؛ ژوبر، ۱۳۴۷: ۱۶۰؛ ۷۵: Tavernier, 1778). همین وضعیت در مورد هنر قاشق‌تراشی شهرهای دیگر، مانند آباده نیز ملاحظه می‌شود؛ به نحوی که هیچ منبع مستقلی در این زمینه شناسایی نشد که به این هنر شاخص شهر پرداخته باشد. با توجه به این موارد، ضرورت داشت که در پژوهش مستقل و هدفمندی به این هنر شاخص؛ اما کمتر شناخته شده ایرانی پرداخته شود.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر سعی شده است با کمک اطلاعات میدانی، همچون پرسش‌های محلی از افراد معتمد، بررسی آثار موزه‌ای

مقدمه و بیان مساله

با توجه به اسناد و شواهد موجود، هنر کار با چوب در خوانسار قدمتی دیرینه دارد؛ به نحوی که در گذشته کارگاه‌های متعددی در شهر به تولید انواع آثار ساخته شده از چوب مشغول بودند (میرمحمدی، ۱۳۷۸: ۱۷۸-۱۷۵؛ صدیقیان و صادقی، ۱۳۹۲: ۶۸-۶۲؛ Lamarre, 1878: 105). در همین ارتباط یکی از این هنر-های رایج در شهر، تولید انواع قاشق‌های چوبی بوده است که در ادواری از تاریخ، همچون دوره قاجاریه رونق ویژه‌ای داشت. درحقیقت قاشق‌سازی و قاشق‌تراشی از چوب، یک قسم از هنر و مشاغل کهن و اصیل خوانسار قدیم و نیز از اقلام درآمدزا و صادراتی این شهر به دیگر بل اد و ولایات اطراف به شمار می‌رفت (مورتسن، ۱۳۷۷: ۲۳۷؛ ۱۳۲: Lorimer, 1908). بر همین اساس در دوره‌ای که شاید کارخانه‌ای برای ساخت قاشق در داخل کشور وجود نداشت و قاشق‌های ورشوئی^۱ و فلزی هنوز مرسوم نبودند یا کاربرد کلی‌تر و عمومی‌تری نداشتند، در خوانسار شاید بیش از پنجاه کارگاه قاشق‌تراشی وجود داشت (زهرائی، ۱۳۷۰: ۲۶ و ۱۵۵). با توجه به شواهد موجود در این کارگاه‌ها انواع متنوعی از قاشق چوبی تولید می‌شد که بعضاً از ظرافت و تزئینات ویژه‌ای برخوردار بودند. متأسفانه در حال حاضر بنا به دلایل متعددی که در بخش دیگر به آن پرداخته می‌شود، این هنر در خوانسار رو به زوال رفته است و تنها در یک کارگاه کوچک همچنان تولید قاشق‌های چوبی ادامه دارد.

متأسفانه در حال حاضر شناخت ما در مورد قاشق‌های چوبی تولید خوانسار و حتی سایر مناطق بسیار محدود و اندک است. بیشتر دانش ما در مورد این آثار، محدود به اطلاعات موزه‌ای و برخی اشارات منابع تاریخی است. این در حالی است که امروزه نمونه‌های متعددی از این قاشق‌ها در موزه‌ها و مجموعه‌های داخلی و خارجی وجود دارد و حتی به فراوانی توسط برخی سودجویان به فروش می‌رسد. با توجه به این موارد و نیز دانش اندک و ناپیوسته ما در مورد این قاشق‌ها، ضرورت داشت که حداقل در یک پژوهش مستقل، به تولیدات یکی از شهرهای شاخص در ارتباط با این حرفه پرداخته شود. همین امر باعث شد که شهر خوانسار به جهت اشارات نسبی به تولیدات آن در منابع و در عین حال ناشناخته بودن شاخصه‌های تولیدی قاشق‌های چوبی آن، انتخاب شود. بر همین اساس هدف اصلی



تصویر ۱: نمونه‌ای از قاشق افشیره‌خوری ساده دارای امضا «کار حاجی جواد، قاشق‌تراش خوانساری» و تاریخ ۱۳۱۳ ه. ق. مجموعه شخصی محسن محمدیان خونساری (محمدیان خونساری، ۱۳۹۶)

با توجه به منابع تاریخی مربوط به عهد قاجار و اوایل حکومت پهلوی که جملگی از رونق صنعت قاشق‌تراشی در خوانسار یاد کرده‌اند^۶ و با تحلیل و ارزیابی مطالب آن‌ها، می‌توان چنین پنداشت که این حرفه حداقل از دوره قاجاریه به مرحله رشد و شکوفایی و نهایت کیفیت خود رسیده بود. به نظر، این امر در عهد سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار تحقق و رونق و توسعه فراوانی یافت.^۷ این صنعت گویا در اواخر قاجار و اوایل دوره پهلوی نیز به همان رونق قبلی تداوم داشت.^۸ در این دوره قاشق‌های چوبی و منبت خوانسار همچنان با کیفیت و مطلوب بودند؛ اما به نظر می‌رسد که در دوره پهلوی دوم، هنر قاشق‌تراشی نسبت به دوره‌های گذشته از رونق و کیفیت کمتری برخوردار شد و گویا از میانه‌های آن دوره به بعد بود که ظرافت هنری‌اش اندکی رو به افول رفت و شکل ساده‌تری به خود گرفت. در اوایل دوره پهلوی، بیش از ۵۰ دکان یا کارگاه قاشق‌تراشی در خوانسار وجود داشت که در هر کارگاه، پنج تا هشت نفر مشغول به کار بودند (زهرائی، ۱۳۷۰: ۲۶ و ۱۵۵)؛ اما از دهه‌های سی و چهل خورشیدی، این تعداد به‌طور محسوسی کاهش یافت؛ به‌نحوی که تنها در حدود پنج یا شش کارگاه، آن‌هم به‌صورت محدود و با کیفیت ساخت و پرداخت کمتر، در انتهای بازار "دم‌دوره"^۹ فعالیت داشتند. بررسی‌های میدانی نگارندگان نشان می‌دهد که بعد از انقلاب و اوایل دهه ۱۳۶۰، هنوز یک کارگاه یا مغازه کوچک (واقع در انتهای بازار دم‌دوره فعلی، تقریباً پشت محوطه کنونی پاساژ قائم) بوده‌است که شخصی به نام مرحوم محمدآقا کامرانی در آنجا به تولید و فروش قاشق‌های چوبی مشغول بود. وی را آخرین شخصی می‌دانند که به این صنعت اشتغال داشت^{۱۰} و بعد از فوتش، قاشق‌تراشی نیز به مدت تقریباً دو دهه به‌کلی برچیده و تعطیل شد تا آنکه از دهه ۱۳۸۰ خورشیدی، این میراث هنری و کهن خوانسار، به‌وسیله آقای مهدی رجبی

داخلی و خارجی و نیز مجموعه‌های خصوصی، کمک‌گرفتن از دانش تنها قاشق‌تراش سنتی خوانسار، مطالعه اسناد تاریخی شهر و نیز بررسی منابع کتابخانه‌ای، به توصیف و تحلیل هنر قاشق‌تراشی شهر پرداخته شود. بر همین اساس و با توجه به شیوه‌های گردآوری اطلاعات ذکرشده، روش پژوهش حاضر نیز توصیفی تحلیلی است.

تاریخچه هنر قاشق‌تراشی در خوانسار

از دیرباز تاکنون مردم خوانسار برای ساخت بخشی از اسباب و لوازم مورد نیاز خود از چوب بهره می‌گرفته‌اند. با توجه به شواهد موجود در میان هنرها و صنایع مرتبط با چوب، منبت‌کاری و سپس قاشق‌سازی اهمیت و رواج بیشتری در خوانسار داشته‌است. در این میان هنر منبت‌کاری زمانی در خوانسار گسترش و رونق تمام داشت و آثار بسیار ظریفی در این شهر تولید می‌شد. ظرافت آثار چوبی تولیدی شهر به‌حدی بود که حتی بعضاً برخی افراد آن را با هنرهای همچون قلاب‌دوزی و سوزن‌دوزی مقایسه کرده‌اند (Lamarre, 1878: 105). این هنر با توجه به شواهد موجود، حداقل از قرن هشتم هجری به بعد در خوانسار شناخته‌شده بود (صدیقیان و صادقی، ۱۳۹۲: ۶۹). از بین هنرهای وابسته به چوب خوانسار، می‌توان از هنر و صنعت قاشق‌تراشی یاد کرد که از گذشته تاکنون در این شهر رواج داشته‌است. متأسفانه برخلاف منبت‌کاری نمی‌توان با قطعیت زیاد تاریخ دقیقی برای این هنر تعیین کرد؛ چراکه اسناد تاریخی معتبری قبل از دوره قاجاریه در این زمینه وجود ندارد و نیز تقریباً بیشتر قاشق‌های تاریخی شناخته‌شده منسوب به خوانسار فاقد تاریخ ساخت هستند؛ یا اینکه مربوط به بعد از دوره قاجاریه‌اند (تصویر ۱). البته با توجه به اشارات منابع تاریخی، چنین به نظر می‌رسد که پیشه قاشق‌تراشی در ایران حداقل از اوایل دوره صفوی به بعد شناخته‌شده بود و هنرمندانی به این حرفه مشغول بودند (خورشاه بن قباد، ۱۳۷۹: ۱۹۹؛ شاردن، ج ۴، ۱۳۷۲: ۱۳۵۷؛ Taver-1678: 75؛ nier)؛ اما نمی‌توان با قطعیت گفت که آیا در خوانسار هم از این دوره قاشق‌تراشی شکل گرفته و رایج شده‌است یا خیر؟



تصویر ۳: کتیبه به کاررفته روی یکی از قاشق‌های افشیره‌خوری یک‌تکه، با این متن: «جهت مجلس عالی‌جاه مقرب الخاقان محمدحسن‌خان سردار^{۱۱} بفرموده محمدیوسف‌خان...» (URL4، شماره شیء ۷۲۸-۱۸۷۶)

با توجه به شواهد موجود، قاشق‌های تولیدی خوانسار در دوره قاجاریه تا اوایل پهلوی از زیبایی و ظرافت زیادی برخوردار بودند؛ به‌نحوی که حتی بعضاً از دید سفرنامه‌نویسان خارجی نیز پنهان‌نمانده بود؛ برای نمونه جیمز موریه^{۱۲} دیپلمات بریتانیایی در توصیف سفره شاهانه و پذیرایی فتحعلی‌شاه قاجار از بزرگان درباری و سفرای خارجی، از قاشق‌های زیبای منبت‌کار خوانسار و آبنده شیراز اسم می‌برد که در کنار سفره قرار داشتند (۱۳۹۰: ۱۹۶). همچنین هنریش پروگش^{۱۳} آلمانی نیز، ضمن اشاره به تولیدات صنعتی خوانسار مانند قاشق‌تراشی به این امر اشاره می‌کند که قاشق‌ها و شربت‌خوری‌های چوبی خوانسار بسیار زیبا و ظریف ساخته شده‌اند (ج ۲، ۱۳۶۷: ۳۵۱-۳۵۰). علاوه بر این، کنت دو سِرُسی^{۱۴} سفیر فرانسه در زمان محمدشاه قاجار هم اشاره‌ای اجمالی به قاشق‌های چوبی تولید خوانسار کرده‌است (۱۳۶۲: ۲۱۴).

قاشق‌های چوبی خوانسار یکی از اقلام صادراتی این شهر به سایر مناطق کشور نیز محسوب می‌شد. وجود این قاشق‌ها در دربار قاجار و نیز اشاره برخی منابع به فروش قاشق‌های چوبی خوانساری در بازار دزفول این ادعا را اثبات می‌کند (مورتسن، ۱۳۷۷: ۲۳۷؛ Lorimer, 1908: 132).

انواع قاشق‌های چوبی تولید خوانسار

مطالعات کتابخانه‌ای و نیز مشاهدات میدانی نگارندگان در موزه‌های مختلف مانند موزه گنبد علویان همدان نشان می‌دهد که در گذشته به غیر از خوانسار، قاشق‌تراشی در

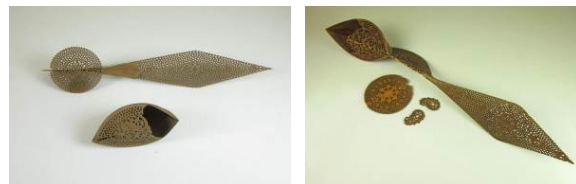
خوانساری، مجدداً احیا و ترویج شد. از جمله دلایل اصلی افول هنر قاشق‌تراشی از دوره پهلوی دوم به بعد در خوانسار، می‌توان به این موارد اشاره کرد: الف. واردات و سپس تولید گسترده لیوان، ملاقه و قاشق‌های فلزی در ایران و رواج استفاده از آن بین عموم مردم؛ درحالی که قبل از آن عموم مردم غذاهای غیر آبدار را با دست میل می‌کردند؛ اما برای خوردن غذاهایی مانند آش یا مایعاتی مانند دوغ از قاشق‌های چوبی ساده یا تزئینی استفاده می‌کردند. موضوعی که هم در تصاویر تاریخی این دوران و هم در گفته‌های برخی مورخان کاملاً مشهود است (دروویل، ۱۳۸۹: ۹۴؛ دوکوتر بوئه، ۱۳۶۵: ۱۱۹؛ دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۳۱؛ مستوفی، ۱۳۸۴: ۲۸۱؛ بلوشر، ۱۳۶۹: ۸۳ و ژوبر، ۱۳۴۷: ۱۶۰) (تصویر ۲). ب. هزینه کمتر خرید ظروف فلزی به نسبت قاشق‌های چوبی و سهولت بیشتر استفاده از آن‌ها؛ زیرا قاشق‌های چوبی عموماً قیمتی بالاتر از قاشق‌های فلزی داشتند؛ به‌ویژه قاشق‌های افشیره‌خوری تزئین‌دار. قیمت‌های گزاف قاشق‌های چوبی زینتی به‌نحوی بود که عموماً به سفارش طبقات اعیان جامعه تولید می‌شد و در سفره این طبقات قرار می‌گرفت. این موضوع را هم می‌توان در میان نوشته‌های برخی مورخین و هم در کتیبه‌های برخی قاشق‌های چوبی ملاحظه کرد (موریه، ۱۳۹۰: ۱۹۶) (تصویر ۳).



تصویر ۲: عکسی از اواخر دوره قاجاریه که نحوه غذا خوردن با دست و وجود قاشق‌های چوبی داخل کاسه‌های بزرگ، در آن مشخص است (URL1)

با توجه به گفته راویان محلی، قاشق‌های چوبی را عمدتاً از چوب درخت گلابی می‌ساختند؛ اما در پاره‌ای موارد از چوب بید، زردآلو و گاه توت نیز استفاده می‌شد. از جمله دلایلی که چوب درخت گلابی اهمیت بیشتری در ساخت قاشق چوبی داشت، می‌توان به استحکام و نوع بافت چوب اشاره کرد که اجازه می‌دهد هنرمند قاشق تراش بتواند کنده‌کاری‌های ظریف و پیچیده‌ای را روی قاشق پیاده کند (Herbert Baily, 1912: 195). تمامی این قاشق‌ها در کارگاه‌های مخصوصی که برای این امر در نظر گرفته شده بود، ساخته می‌شدند. با توجه به اطلاعات شفاهی موجود، این قاشق‌ها طی چند مرحله ساخته شده‌اند که شامل این موارد است: الف. تهیه چوب مناسب از خوانسار یا شهرهایی همچون نطنز و اردستان^{۱۶}؛ ب. برش کلی چوب‌ها به اندازه طول یک قاشق؛ ج. کنده‌کاری و شکل‌دادن چوب؛ د. سوهان‌کاری و صیقل‌دادن چوب؛ ه. جلادادن چوب با روغنی مخصوصی که خوانساری‌ها به آن کُندلوس می‌گفتند؛ و. طراحی، منبت‌کاری و نقاشی روی دسته قاشق. علاوه بر این موارد باید به این نکته نیز اشاره شود که با توجه به اطلاعات شفاهی موجود و برخی مطالب منتشرشده، از گذشته تاکنون قاشق‌های چوبی، به‌ویژه نمونه‌های معروف به افشره‌خوری را عموماً با تزئین منبت‌کاری پرداخت می‌کردند؛ اما در این میان بعضاً در کنار این تزئین از شیوه مشبک‌کاری نیز استفاده می‌شد. در منبت‌کاری و کنده‌کاری روی دسته و در مواقعی جداره خارجی کفه این نوع قاشق‌ها از شیوه‌های حکاکی، کم‌برجسته و نیم‌برجسته استفاده می‌شده‌است. در روش حکاکی، هنرمند با ایجاد شیار بر سطح چوب، طرح و نقش‌مایه‌های مورد نظر خود را بر آن پیاده می‌کند. در روش کم‌برجسته، نقوش اثر منبت‌کاری شده برجستگی کمی دارند و با توجه به فرم و میزان برجستگی آن می‌توان گفت نسبت اندازه بُعد سوم (عمق یا ارتفاع) نقوش بر دو بُعد دیگر (سطح) کم است. در شیوه نیم‌برجسته یا نقش‌برجسته، زمینه را به مقدار بیشتری نسبت به شیوه کم‌برجسته گود می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که نقوش اثر، برجستگی بیشتری دارند. از جمله ابزارهایی نیز که برای کنده‌کاری، مشبک‌کاری و منبت قاشق‌های چوبی از گذشته تاکنون استفاده می‌شد شامل این موارد است: مغار تخت، سوهان، شُفره و گلوبی. (امرائی، ۱۳۹۱:

نقاط مختلف کشور؛ مانند آباءه، اقلید، همدان، تویسرکان، مازندران و ... به سبک‌ها و اسامی مختلف رواج داشته‌است (دالمانی، ۱۳۳۵: ۳۷۳؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۲؛ ج ۴: ۱۹۸۲، ۲۰۵۷، ۲۱۹۶-۲۱۹۵ و ۲۲۶۵؛ فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۲۳۲؛ حسینی فسائی، ۱۳۸۲: ج ۲، ۱۲۳۹؛ Smith, 1877: 38؛ Wills, 1886: 147-150). با این حال، قاشق‌های چوبی تهیه‌شده در خوانسار دارای صفات و ویژگی‌های خاص و منحصر به‌خود بودند که تا حدودی آن‌ها را با نمونه‌های تولیدی سایر نقاط متمایز می‌کرد. جدا از ظرافت، زیبایی و نیز خلاقیت و ابتکارات به‌کاررفته در طرح و نقش این آثار، می‌توان به ماهیت یک‌تکه‌بودن ساخت آن‌ها نیز اشاره کرد؛ به این معنی که در خوانسار قالب قاشق را از همان آغاز کار به‌صورت یک‌تکه تولید می‌کردند. یعنی تراش و کنده‌کاری تنها روی یک قطعه چوب انجام می‌گرفت و از همان ابتدای امر دسته به کفه (یا پیاله قاشق) متصل بود. به همین سبب به قاشق‌های "یک‌تکه‌ای" یا "یکسره" شناخته می‌شدند. این درحالی است که اغلب قاشق‌های تولیدی آباءه با وجود ظرافت طرح و نقش بسیار زیاد، به‌صورت دو‌تکه یا چندتکه ساخته شده‌اند (دالمانی، ۱۳۳۵: ۳۷۳)^{۱۵} (تصویر ۴). استعمال قاشق‌های چوبی دو‌تکه که دسته را بعداً و به‌وسیله چسب مخصوص به کفه آن اتصال می‌دادند کمتر مورد استقبال قاشق‌تراشان، خریداران و مصرف‌کنندگان خوانساری واقع می‌شد و یا شاید اصلاً مورد استفاده قرار نمی‌گرفت؛ زیرا باور عموم بر آن بود که این نوع قاشق‌ها زود خراب و بی‌استفاده می‌شوند (مصاحبه با مهدی رجبی خوانساری، مرحوم میرزا احمد فرجی و سیدحسین غضنفری، ۱۳۹۵)؛ به‌عبارتی در حین استفاده از نمونه‌های یک‌تکه امکان جداشدن دسته از قاشق در همه‌وقت پیش نمی‌آمد؛ موضوعی که در نمونه‌های تولیدی آباءه دیده می‌شود (تصویر ۴).



تصویر ۴: دو نمونه از قاشق‌های چوبی چندتکه تولیدی آباءه در دوره قاجاریه (URL4، شماره شی ۱۸۷۷-۴۴۱ و ۱۸۷۴-۱۲۸۷)



تصویر ۷: نمونه‌ای از قاشق‌های چوبی یک‌تکه تقریباً ۱۵ سانتی‌متری که گفته می‌شود مخصوص غسل خوری یا آلبالو خوری بوده‌است، مجموعه شخصی رضا فرجی (نگارندگان، ۱۳۹۷)

ج. قاشق‌های افشیره خوری: این قاشق‌ها که از چوب درختان مختلف به‌ویژه چوب گلابی تولید می‌شدند^۸، با اسامی گوناگونی همچون قاشق شربت خوری، دوغ خوری، آب خوری، افشیره خوری^۹ و گاه "قاشق شاهی" معروف بودند. از این نوع قاشق عموماً برای نوشیدن مایعات و برداشتن آب از قند یا ظروف بزرگ استفاده می‌شد^{۲۰}. البته به دلیل پرتکلف بودن این قاشق‌ها، عموماً در گذشته برای مجالس مهم؛ مانند روضه خوانی یا ضیافت‌های اعیانی و میهمانی‌های مجلل خصوصی، استفاده می‌شد (Herbert Baily, 1912). این قاشق‌ها یکی از معروف‌ترین و بعضاً پرتزئین‌ترین قاشق‌های چوبی بودند که نمونه‌های بسیار شاخص آن امروزه در موزه‌ها و مجموعه‌های گوناگون وجود دارد که هم به‌صورت دوتکه تولیدی آماده و هم به‌صورت یک‌تکه تولیدی احتمالی خوانسار وجود دارند (جدول ۱). لازم به ذکر است در حال حاضر به‌دلیل شناخته‌تر بودن قاشق‌های تولیدی آماده، در موزه‌های مختلف تقریباً تمامی قاشق‌های افشیره خوری یک‌تکه و دوتکه را به‌اشتباه با نام این شهر معرفی کرده‌اند؛ درحالی‌که برخی از قاشق‌های افشیره خوری یک‌تکه تولید خوانسار است. در خوانسار، این نوع قاشق‌های ملاقه‌مانند سبک اما پُرگنجایش، همواره به‌صورت یک‌تکه و بسیار ظریف و نازک و در اندازه‌های متوسط تا بزرگ (بین ۲۵ تا ۴۰ سانتی‌متر) و در دو مدل ساده و طرح‌دار تولید و ساخته می‌شدند (تصاویر ۸ تا ۱۰). در مدل طرح‌دار که بسیاری از آن‌ها اکنون زینت‌بخش مجموعه‌ها و موزه‌های مختلف هستند، روی دسته با تلفیقی از تصاویر و نقش‌ونگارهای گوناگون منبت و گاه مشبک‌کاری می‌شد. برخی از آن‌ها هم به اشعاری جالب و دل‌نشین مزین می‌شد که دو بیت از معروف‌ترین و متداول‌ترین اشعار از این قرارند: «کمتر ز قاشقی نتوان بود در طلب / صد تیشه می‌خورد که رساند لبی به لب» یا «تیشه‌ها خوردم به سر فرهادوار / تا رسیدم بر لب شیرین یار».

۱۲۶-۱۲۸؛ مصاحبه شخصی با آقای رجبی خوانساری در سال ۱۳۹۸). با توجه به شواهد موجود، قاشق‌های ساخته‌شده در خوانسار به چند گروه مختلف تقسیم‌بندی می‌شوند:
الف. قاشق‌های غذاخوری: قاشق‌های چوبی غذاخوری خوانسار به‌صورت یک‌تکه (یک‌پارچه) و بیشتر با طرح ساده و در اندازه‌های متنوع ۲۰ تا ۳۰ و گاه تا ۵۰ سانتی‌متر ساخته می‌شدند. از این قاشق‌ها در گذشته بیشتر برای خوردن غذاهای آب‌دار مانند آش یا آبگوشت استفاده می‌شد (دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۲۵؛ شهری‌باف، ۱۳۸۳: ۲۰۹) (تصویر ۵). همچنین نمونه‌های دیگری از این قاشق‌ها وجود داشت که معمولاً مخصوص خوردن حلالی^{۱۷} بوده و بعضی از آن‌ها کفه‌ای شبیه کفه قاشق‌های افشیره خوری اما با سایز کوچک‌تر داشتند. البته این قاشق‌ها بعضاً به‌عنوان قاشق آش خوری نیز استفاده می‌شد (تصویر ۶).



تصویر ۵: دو نمونه از قاشق‌های غذاخوری تولید خوانسار (محل نگهداری: موزه هنرهای تزئینی اصفهان و مجموعه بارگاه امامزاده احمد خوانسار، عکاس نگارندگان، سال ۱۳۹۹)



تصویر ۶: نمونه‌ای از قاشق معروف به حلالی خوری، مجموعه شخصی محسن محرابی (نگارندگان، ۱۳۹۸)





ب. قاشق‌های غسل خوری: از این نوع قاشق‌های کوچک یک‌تکه‌ای که در میان اهالی و مردم قدیم محلی، گاه به آلبالو خوری هم شناخته می‌شد، معمولاً برای خوردن و یا به‌عبارتی مزه کردن غسل به کار می‌رفته است. این دسته از قاشق‌ها معمولاً تا ۱۵ سانتی‌متر اندازه داشتند و از نظر شکل و ظاهر با بقیه متفاوت و شبیه قاشق‌های چای خوری یا غذاخوری امروزی بودند (تصویر ۷).

به "قدح‌های دُم‌طاووسی" و "شاه‌قاشق‌های افشیره‌خوری" تعبیر کرده است (۱۳۳۷: ۲۸). البته روی جداره خارجی کفه قایق‌مانند برخی دیگر از قاشق‌های افشیره‌خوری، گاه نقوش و یا ابیات و نوشته‌هایی حک می‌شد که بر زیبایی و نیز قیمت آن‌ها می‌افزود^{۲۲} (تصویر ۱۰).

در میان قاشق‌های افشیره‌خوری منقوش، فضل‌الله زهرائی از قاشقی موسوم به "دست دلبری" نیز نام برده‌است که دسته‌اش به شکل دست به کفه قاشق متصل می‌شده و بی‌تی از همان اشعار هم روی آن درج شده بود^{۲۱} (۱۳۴۱: ۷۴؛ همان، ۱۳۷۰: ۱۵۶). علاوه بر ایشان، سیدمحمدعلی جمال‌زاده هم در توصیف کوتاهی از این نوع قاشق‌ها، از آن‌ها

جدول ۱: نمونه‌هایی از قاشق‌های افشیره‌خوری موجود در موزه‌های گوناگون

منبع	محل نگهداری	شماره شیء	مکان احتمالی تولید	تصویر	ردیف
URL2	موزه بریتانیا	As1972,Q.1484	خوانسار		۱
URL5	موزه هنر هاروارد	1963.83	آباده		۲
URL6	موزه هورنیمِن	1982.451	خوانسار		۳
URL6	موزه هورنیمِن	6.12.65/621	آباده		۴
URL7	موزه ملی اسکاتلند	A.1879.15.11	آباده		۵
URL8	موزه قوم‌شناسی	I B 379	آباده		۶
URL8	موزه قوم‌شناسی	I B 1753	خوانسار		۷
URL3	موزه تروپن	RV-245-10	خوانسار		۸

ردیف	تصویر	مکان احتمالی تولید	شماره شیء	محل نگهداری	منبع
۹		لار؟	TM-3446-6	موزه تروپن	URL3
۱۰		آباده	934A-1869	موزه ویکتوریا و آلبرت	URL4
۱۱		آباده	932B/1, 2-1869	موزه ویکتوریا و آلبرت	URL4
۱۲		خوانسار	W.343-1921	موزه ویکتوریا و آلبرت	URL4



تصویر ۱۰: قاشق افشیره خوری با کفه طرح دار دوره ناصری (URL4، شماره شیء ۱۸۷۶-۷۲۸)

د. قاشق‌های چوبی ملاقه‌ای: نوع دیگری از قاشق‌های چوبی در خوانسار وجود داشت که از چوب درختان مختلف ساخته و در تداول عام به "کَمچیز" شناخته می‌شدند. این قاشق‌های تقریباً بزرگ ۵۰ تا ۶۰ سانتی‌متری همان شکل و حکم ملاقه را داشتند و همانند ملاقه‌های فلزی امروزی برای طبخ، به‌ویژه به‌هم‌زدن و پختن آش استفاده می‌شده‌اند (تصویر ۱۱). در این ملاقه‌های چوبی تقریباً بزرگ و ضخیم، ساخت و تولید قاشق به‌صورت یک‌تکه یا یک‌پارچه و در مواقعی خیلی کم هم، به روش دوتکه انجام می‌گرفت. در ملاقه‌های دوتکه، دسته و کاسه قاشق، به‌صورت جداگانه و از دو قطعه چوب درست می‌شدند و پس از آماده‌شدن، آن دو را با چسب مخصوصی که طی فرایندی از پیه یا نخاع گوسفند تهیه می‌شد^{۲۳}، به هم وصل می‌کردند. این نوع قاشق‌ها گویی تنها قاشق‌هایی بودند که در میان قاشق‌تراشان خوانساری، گاه دسته و کفه آن به روش جداگانه و مجزا ساخته می‌شد و سپس به هم اتصال می‌دادند. این قاشق‌ها به سبب اندازه و نوع



تصویر ۸: نمونه‌هایی از قاشق‌های چوبی افشیره خوری ساخته‌شده توسط هنرمندان خوانساری در دوره قاجاریه، مجموعه شخصی محسن محمدیان خوانساری (محمدیان خوانساری، ۱۳۹۶)



تصویر ۹: نمایی از کارگاه قاشق‌تراشی معاصر استاد مهدی رجبی خوانساری (محمدحسن ریاضت، ۱۴۰۰).

و ده سیر آب می گرفت و مثل پارچه به هم پیچیده می شد» (۱۳۶۶: ۷۹۶).



تصویر ۱۳: نمونه‌ای از کیل تولیدی خوانسار، مجموعه شخصی مهدی رجبی خوانساری (نگارندگان، ۱۳۹۵)

انواع تزئینات به کاررفته در قاشق‌ها

قاشق‌های تولیدی خوانسار عموماً ساده بدون نقش بوده؛ اما در میان نمونه‌های افشره‌خوری بعضاً تزئینات متنوعی به کار رفته است. این قاشق‌ها از لحاظ ساختاری و تزئینات به کاررفته روی دسته یا زیر کفه، به چند گروه مختلف تقسیم‌بندی می‌شوند:

الف. قاشق‌های افشره‌خوری طرح هندسی: فرم دسته این قاشق‌ها معمولاً به صورت هندسی، به ویژه لوزی‌شکل کشیده بوده و نقوشی به صورت مشبک یا منبت با اشکالی همچون گل‌ومرغ، گل‌بوته، کتیبه، اسلیمی یا ختایی روی آن‌ها به کار رفته است (تصویر ۱۴).

ب. قاشق‌های افشره‌خوری طرح دم‌طاووسی: انتهای دسته این قاشق‌ها به دلیل مشابهت به دم‌طاووس به این نام معروف شده است؛ البته در برخی منابع این قاشق‌ها را با نام "شاه‌قاشق‌های افشره‌خوری" نیز معرفی کرده‌اند (جمال‌زاده، ۱۳۳۷: ۲۸). در این قاشق‌ها نیز نقوشی به صورت منبت‌کاری با اشکالی اعم از گل‌ومرغ، کتیبه یا شمسه به کار رفته است (تصویر ۱۵).

ج. قاشق‌های افشره‌خوری طرح بته‌جقه: انتهای دسته این قاشق‌ها به صورت دو طرح بته‌جقه قرینه است. در این قاشق‌ها بعضاً نقوشی به صورت منبت یا مشبک با اشکالی همچون کتیبه‌دار یا بته‌جقه به کار رفته است (تصویر ۱۶).

د. قاشق‌های افشره‌خوری با کفه منبت‌کاری شده: دسته این قاشق‌ها، فرم‌های مختلف داشته ولی برخلاف

کاربردشان، اغلب فاقد ظرافت و تزئین خاصی بودند. همچنین نمونه‌های دیگری از قاشق‌های ملاقه‌ای شکل وجود داشتند که کمی شبیه پارچ آب امروزی و مخصوص خالی کردن مایعاتی مثل سرکه، آب‌غوره، آب‌لیمو و امثال این‌ها داخل بطری‌ها و تَنگ‌های بزرگ شیشه‌ای بودند (تصویر ۱۲). اگرچه قدیمی‌ها با کمک این ملاقه‌های لبه‌دار، به راحتی می‌توانستند مایعات را داخل ظروف مخصوص بریزند؛ اما این نوع قاشق‌ها به همراه کیل‌های چوبی، چندان عمومیتی نداشتند و در همه خانه‌ها زیاد دیده نمی‌شدند.



تصاویر ۱۱ و ۱۲: سمت راست ملاقه چوبی معروف به کم‌چیز، و سمت چپ ملاقه مخصوص ریختن مایعات به داخل بطری یا تَنگ‌های شیشه‌ای، مجموعه شخصی مهدی رجبی خوانساری (نگارندگان، ۱۳۹۵)

ه. کیل یا پیمان‌های چوبی: کیل یا پیمان، مقیاسی

برای اندازه‌گیری محصولات غذایی فله‌ای مختلف جامد و مایع، مانند غلات یا لبنیات گوناگون است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱۲، ص ۱۸۸۴۰). پیمان‌های چوبی قدیمی کارکردی همانند سرتاس‌ها یا پیمان‌های فلزی موجود در مغازه‌های بقالی امروزی دارند که برای برداشتن اجناس فله‌ای استفاده می‌شدند نه در توزین آن‌ها. در خوانسار هم تولید این ظروف در مقیاس و اندازه‌های گوناگون رواج داشت که گویا بیشتر برای بقالان شهر و فروشندگان دوره‌گرد مواد غذایی و نیز کشاورزان و دامداران کاربرد داشت (تصویر ۱۳). محمدتقی‌خان حکیم که در دوره قاجاریه به خوانسار آمده بود، در نوشته‌های خود اشاره به نوعی قاشق بدون دسته تولیدی خوانسار می‌کند که احتمالاً همان کیل باشد. وی چنین بیان می‌کند: «وقتی قاشق افشره‌خوری بزرگی دیدم، کشکولی پنج مثقال وزن آن بود و بی‌دسته، پنج سیر آب می‌گرفت ... و از پشتش خطوط خفیف [هم] دیده می‌شد و جام آب‌خوری دیدم ده مثقال وزن

در ایران کاملاً شناخته شده بود و قاشق‌های تولیدی تزئینی این دوران در سفره‌های بسیاری از اعیان و رجال قرار داشت. در حال حاضر بسیاری از موزه‌ها و مجموعه‌های داخلی و خارجی نمونه‌هایی از قاشق‌های سنتی تولید ایران رت دارند که تقریباً تمامی آن‌ها مربوط به دوره قاجاریه تا اوایل پهلوی هستند. با استناد به اشارات منابع تاریخی و برخی اسناد موجود، شهرهایی نظیر خوانسار و آباد، از مراکز مهم تولید قاشق‌های چوبی بودند. در این میان قاشق‌های تولیدی آباد به دلیل تزئینات بسیار زیبا و شاخص، شناخته شده‌تر بودند؛ اما قاشق‌های تولیدی خوانسار، به دلیل یک‌تکه بودن و برخورداری از تزئینات نسبتاً ساده‌تر، کمتر شناخته شده بودند. بر همین اساس لازم بود در پژوهش مستقلی به این آثار پرداخته شود.

با توجه به شواهد موجود، همچون اطلاعات منابع تاریخی، کتیبه‌های امضادار برخی قاشق‌ها، اشارات برخی وقف‌نامه‌ها و ... ، چنین به نظر می‌رسد که حداقل از اوایل دوره قاجاریه به بعد حرفه قاشق‌تراشی در خوانسار شناخته شده بود؛ اما هنر قاشق‌تراشی خوانسار قبل از دوره قاجاریه فاقد اطلاعات و شواهد کافی و متقن است. هنر قاشق‌تراشی در خوانسار عصر قاجار جایگاه و رواج زیادی داشت؛ اما از دوره پهلوی به بعد بنا به دلایلی همچون واردات و متعاقب آن، استفاده زیاد از قاشق‌های فلزی، رونق و جایگاه خود را از دست داد. با توجه به شواهد موجود، قاشق‌های چوبی تولید خوانسار که عمدتاً از چوب گلابی ساخته شده‌اند، تنوع بسیاری دارد که شامل انواع قاشق‌های غذاخوری، عسل‌خوری، افشیره‌خوری، ملاقه و ... می‌شود. در این میان، شاخص‌ترین قاشق‌های تولیدی شهر را افشیره‌خوری‌ها تشکیل می‌دهند که تنوع تزئینی بسیاری دارند. این قاشق‌ها یک ویژگی متمایز نسبت به نمونه‌های تولیدی آباد دارند و آن ساختار یک‌تکه آن‌هاست؛ در حالی که نمونه‌های تولیدی آباد عمدتاً دو یا چندتکه ساخته شده‌اند. این قاشق‌ها از نقوش متنوع زیادی برخوردار بوده که به شیوه منبت یا مشبک یا ترکیبی تزئین شده‌اند و بعضاً کتیبه‌هایی به خط نسخ یا نستعلیق روی آن‌ها به کار رفته‌است.

گروه‌های قبل، زیر کفه نیز نقوشی به صورت منبت کاری به کار رفته‌است (تصویر ۱۰).

ه قاشق‌های افشیره‌خوری با کفه گل‌سرخ: کفه این قاشق‌ها با طرح دایره‌ای هشت‌پر (گل‌سرخ) ساخته شده و دسته نیز به فرم‌های مختلف است (تصویر ۱۷).



تصویر ۱۴: قاشق افشیره‌خوری طرح هندسی تولید خوانسار (موزه هنرهای تزئینی اصفهان، عمارت رکیب‌خانه)



تصویر ۱۵: قاشق افشیره‌خوری طرح دم‌طاووسی (URL2، شماره شیء (As1972,Q.1484)



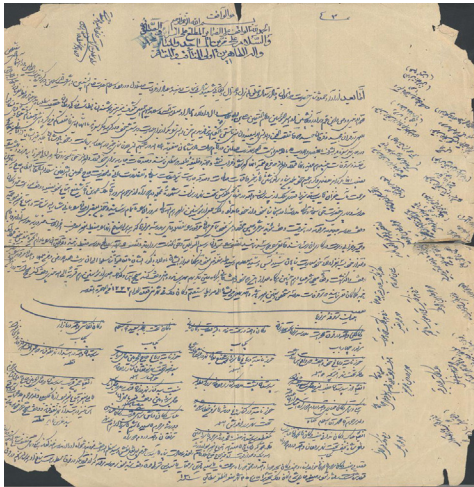
تصویر ۱۶: قاشق افشیره‌خوری طرح بته‌جقه (URL8، شماره شیء I B (1753)



تصویر ۱۷: قاشق افشیره‌خوری با کفه گل‌سرخ (یا گلبرگی) کار مهدی رجبی (محمدحسن ریاضت، ۱۴۰۰)

نتیجه‌گیری

قاشق‌تراشی یکی از هنرها و صنایع سنتی کمتر شناخته شده ایران است. به‌طور کلی این هنر حداقل از دوره صفویه به بعد



تصویر ۱۸. وقفنامه حاج میرباقر بین سیدرضا به تاریخ ۱۲۳۲ هـ ق (مکان نگهداری: اداره اوقاف و امور خیریه خوانسار)

۱۰- با توجه به اطلاعات حاصل از مطالعات میدانی و پرسش‌های محلی، هم‌زمان و نیز سال‌ها پیش از مرحوم حاج محمد آقا کامرانی و برادرش حاج محمدابراهیم کامرانی، عباس کامرانی (پدر دو نامبرده اخیر)، استادانی چون مرحوم کربلایی علی کاتبی، عبدالله کامرانی، کربلایی میرزا محرابیان، میرزا احمد و میرزا محمد اژدری، [مجید اژدری؟]، کربلایی عبدالله مقیمی و میرزا محمد مقیمی، محمدباقر نهاری، ملاحسن و ملاحمد اسلامی، محمدباقر کابلی و... به کار قاشق‌تراشی اشتغال داشته‌اند. مرحوم آقا محمدباقر قاشق‌تراش هم که نامش در وقف‌نامه قبلی ذکر شده‌است، از صنعتگران قدیمی و مطرح دوره قاجاریه در خوانسار به‌شمار می‌رفت.

۱۱- محمدحسن خان در اصل برادر امیرکبیر بوده که در فاصله سال‌های ۱۲۶۷ تا ۱۲۷۴ هـ ق. حاکم شهر اراک بوده‌است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ج ۳، ۱۷۱۳ و ۱۷۶۰؛ دهگان، ۱۳۹۳: ج ۲، ۱۳۶). یکی از اقدامات وی انتقال دادن صنعتگران ماهر از شهرهای اطراف مانند خوانسار به اراک بود تا موجب رونق شهر شوند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ج ۳، ۱۷۶۸، ۱۷۹۵ و ۱۸۰۲؛ دهگان، ۱۳۹۳: ج ۲، ۱۳۷؛ جیریانی و دیگران، ۱۳۹۷: ۹۴). از خوانسار علاوه بر تجار، اربابان صنایع مختلف مانند برخی قاشق‌تراشان نیز به آنجا کوچ داده شدند (استادی، ۱۳۷۶: ۲۴).

12- Morier

13- Brugsch

14- Dosersi

پی‌نوشت‌ها

۱- ورشو آلیاژ محکمی است که از ترکیب مس، روی و نیکل ساخته می‌شود (لغت‌نامه دهخدا). لازم به ذکر است که با استناد به اشارات منابع تاریخی در عهد قاجار و حتی قبل از آن، استفاده از قاشق و چنگال چندان معمول نبود و غذاخوردن معمولاً با دست انجام می‌گرفت (دروویل، ۱۳۸۹: ۹۴. دوکوتز بوئه، ۱۳۶۵: ۱۱۹. دالمانی، ۱۳۳۵: ۲۳۲-۲۳۱. مستوفی، ۱۳۸۴: ۲۸۱. بلوش، ۱۳۶۹: ۸۳)؛ اما برای خوردن برخی غذاهای آبکی مثل آش و نیز نوشیدن مایعاتی نظیر دوغ یا شربت، معمولاً از انواع مختلف قاشق‌های چوبی استفاده می‌کردند (مستوفی، ۱۳۸۴: ج ۱، ۲۸۱).

2- Tavernier

3- Chardin

4- D'Allemagne

5- Jaubert

۶- برای نمونه ر. ک. سیف‌الدوله، ۱۳۶۴: ۳۷۹؛ شیروانی، بی‌تا: ۲۷۴؛ حکیم، ۱۳۶۶: ۷۹۶؛ آل‌داوود، ۱۳۷۸: ۱۵-۱۶؛ موسوی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۲۶۵؛ کیهان، ۱۳۱۱: ج ۳، ۲۹۶؛ جمال‌زاده، ۱۳۳۵: ۸۰؛ Nelson، ۱۸۷۹: ۳۴۰.

۷- این مطلب را می‌توان از نوشته‌های محمدحسن میرزا مهندس قاجار و علی‌خان مهندس دریافت (آل‌داوود، ۱۳۷۸: ۱۵-۱۶).

۸- این مقوله را می‌توان از بطن نوشته‌های مسعود کیهان در اثرش جغرافیای مفصل ایران دریافت که نوشته است هنرمندان خوانسار در صنعت قاشق‌سازی و منبت‌کاری معروف و زبانزد بودند (۱۳۱۱: ج ۱، ۱۳۸؛ ج ۳، ۲۹۶). متن کیهان نشان از آن دارد که حرفه قاشق‌سازی از چوب همچنان در زمان پهلوی اول نیز توسعه و رواج داشته‌است.

۹- با توجه به وقف‌نامه‌های باقی‌مانده از دوره قاجار، در این بازار حداقل از دوره قاجاریه به بعد پیشه قاشق‌تراشی وجود داشته‌است و دکان یا کارگاه‌هایی در آن به این حرفه مشغول بوده‌اند (برای نمونه ر. ک. وقف‌نامه حاج میرباقر بین سیدرضا به تاریخ ۱۲۳۲ هـ ق؛ مکان نگهداری: اداره اوقاف و امور خیریه خوانسار) (تصویر ۱۸).

مصرف می‌کنند. همیشه قحح بزرگی از شربت یا دوغ در میان سفره هست که هر کس به نوبت با قاشق‌های ظریف منبت‌کاری شده از آن می‌آشامد» (۱۳۳۵: ۲۲۹-۲۲۸).

۲۱- البته با توجه به اینکه چنین قاشقی یافت نشده است؛ لذا برای نگارندگان معلوم نشده که مقصود او دسته دلبری است یا دست‌دلبری؟

۲۲- طبق اقوال و روایات اهالی قدیم خوانسار، در میان قاشق‌هایی با کاربرد افشیره‌خوری تزیینی منبت و مشبک‌کاری شده خوانسار، قاشق‌هایی نیز وجود داشتند که علاوه بر زیبایی و ظرافت خاصشان، از شکل متفاوت و متمایزی هم نسبت به دیگر شربت‌خوری‌ها برخوردار بودند. این قاشق‌های خاص با کفه منحصر به فرد دایره‌ای به شکل گل‌سرخ (گلبرگی) و معمولاً منبت و مشبک‌شده ساخته می‌شدند و بیشتر تزیینات به‌کاررفته هم در قسمت اتصال دسته به کفه (یعنی جایی که می‌بایست دسته به کفه قاشق متصل باشد)، انجام می‌شد. با توجه به اینکه بیشتر قاشق‌های به‌جای‌مانده از نوع کفه گلبرگی، فاقد شناسنامه دقیقی از نام مکان تولید و استاد قاشق‌تراش هستند و از سوی دیگر، وجود قاشق‌های بسیار ظریفی از این دست که در آباده ساخته می‌شدند؛ لذا با قطعیت نمی‌توان هر قاشقی که با این شکل ظاهری پیدا می‌شوند را مربوط به خوانسار و یا آباده بدانیم.

۲۳- طبق گفته برخی از درودگران محلی، در قدیم گویا از دو نوع چسب دست‌ساز در صنایع چوب استفاده می‌شد: نوع اول چسبی بود که از روغنی که به‌وسیله حرارت دادن پیه گوسفند حاصل می‌شد، درست می‌شد و نوع دوم از روغن حاصل از فرایند ترکیبی نخاع گوسفند و استخوان قلم، به‌دست می‌آمد (مصاحبه شخصی با مهدی رجبی و اسماعیل شکر، ۱۳۹۵).

منابع

- آل‌داوود، سیدعلی. (۱۳۷۸). *دو سفرنامه از جنوب ایران*. تهران: امیرکبیر.
- استادی، رضا، (۱۳۷۶). *شرح احوال حضرت آیت‌الله‌العظمی اراکی (یادنامه آیت‌الله‌العظمی اراکی)*. تهران: روزنامه اطلاعات.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن. (۱۳۶۳). *تاریخ منتظم ناصری*. به تصحیح: محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.

۱۵- طبق نوشته دالمانی، قاشق‌های ظریف آباده را نمی‌شد با چوب یکپارچه ساخت. دسته آن‌ها مرکب از دو قطعه چوب نازک به شکل ذوزنقه بود که به‌وسیله قسمت مدوری به هم اتصال می‌دادند و قسمت مدور هم مانند تور مشبکی بود که ضخامتش بیش از دو و نیم میلی‌متر نبود. این قطعات مختلف را طوری با مهارت به هم متصل می‌کردند که بیننده تصور می‌کرد قاشق مورد نظر از یک قطعه چوب درست شده است (۱۳۳۵: ۳۷۳).

۱۶- اگرچه خوانسار یکی از شهرهایی است که درختانی همچون گلابی، معروف به شاه‌میوه در آن کاشته می‌شد؛ اما به گفته معتمدان محل، در مواقعی که چوب این نوع درخت کمیاب می‌شد، برای تهیه چوب مورد نیاز، ناچار می‌شدند به شهرهایی همچون نطنز و اردستان بروند. این چوب‌ها در همان شهرها ابتدا برش می‌خورد و سپس در قالب قطعات کوچک و مستطیلی به خوانسار فرستاده می‌شد. نکته قابل تأمل اینکه برخی از قاشق‌تراشان خوانساری در همان شهرها به‌طور دائم اقامت اختیار می‌کردند و در آنجا نیز به کار قاشق‌سازی با چوب می‌پرداختند.

۱۷- حلالی، نوشیدنی خاص شب‌های یلدای خوانساری‌ها بوده و هست و گویا ترکیبی از شربت انگور و موسیر است (تسبیحی، ۱۳۵۴: ۷۰؛ صدر، ۱۳۵۸: ۱۴).

۱۸- قاشق‌هایی از این نوع دیده شده که از چوب زردآلو، بید و سایر درختان نیز ساخته شده‌اند.

۱۹- افشیره‌خوری، پیاله یا جامی بوده که در آن افشیره (آب و سایر نوشیدنی‌ها) می‌خوردند (لغت‌نامه دهخدا). در قدیم قاشق مخصوص شرب نوشیدنی‌ها و مایعات علاوه بر افشیره‌خوری، به دوغ‌خوری هم معروف بوده است؛ اما بعدها اصطلاح افشیره‌خوری به‌تنهایی جای آن را گرفت.

۲۰- در برخی از سفرنامه‌های دوره صفوی و قاجار اشارات مختصری در مورد این قاشق‌ها و نحوه کاربری آن‌ها شده است (برای اطلاعات بیشتر ر.ک. شاردن، ۱۳۷۲: ج ۲، ۸۳۵؛ دروویل، ۱۳۸۹: ۹۴-۹۵؛ مستوفی، ۱۳۸۴: ج ۱: ۲۸۱). در همین ارتباط دالمانی فرانسوی نیز در کتاب خود چنین بیان می‌کند: «ایرانیان در میان غذا دوغ یا شربت می‌آشامند و نیز در هنگام تابستان به‌جای چای و قهوه، شربت‌های خنک

- امرائی، مهدی. (۱۳۹۱). هنر مثبت. تهران: سمت.
- بروگش، هینریش. (۱۳۶۷). سفری به دربار سلطان صاحبقران (۱۸۶۱-۱۸۵۹). مترجم: مهندس کردیچه، تهران: نشر اطلاعات.
- بلوشر، ویپرت فون. (۱۳۶۹). سفرنامه بلوشر. مترجم: کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- تسبیحی، محمدحسین. (۱۳۵۴). گویش خوانساری. راولپندی (پاکستان): نشر مؤلف.
- جمالزاده، محمدعلی. (۱۳۳۵). گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران. برلین: انتشارات اداره کاوه (دارالسلطنه برلین، چاپخانه کویانی).
- _____ (۱۳۳۷). شاهکار. ج/ اول، تهران: کانون معارف.
- جیریائی، مهدی؛ و دیگران. (۱۳۹۷). «بررسی و تحلیل تجارت داخلی و خارجی سلطان آباد عراق (۱۳۲۴ تا ۱۳۶۰ ق. / ۱۹۰۶ تا ۱۹۴۱ م.)». فصلنامه پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان، شماره ۳۸، ۹۹-۸۱.
- حسینی فسائی، میرزاحسن. (۱۳۸۲). فارسنامه ناصری. به‌اهتمام منصور رستگار فسایی، ج دوم، تهران: امیرکبیر.
- حکیم، محمدتقی. (۱۳۶۶). گنج دانش: جغرافیای تاریخی شهرهای ایران. با مقدمه عبدالحسین نوایی، به‌اهتمام: محمدعلی صوتی و جمشید کیانفر، تهران: زرین.
- خورشاه بن قباد. (۱۳۷۹). تاریخ ایلچی نظام‌شاه: تاریخ صفویه از آغاز تا ۹۷۲ ه. ق. به تصحیح: محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- دالمانی، هانری رنه. (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری. مترجم: علی محمد فره‌وشی، تهران: امیرکبیر.
- دروویل، گاسپار. (۱۳۸۹). سفرنامه دروویل. مترجم: جواد محیی، تهران: نیک‌فرجام.
- دوسرسی، [لوران]. (۱۳۶۲). ایران در ۱۸۴۰-۱۸۳۹ م. ۱۲۵۶-۱۲۵۵ ه. ق. سفرات فوق‌العاده کنت دوسرسی. مترجم: احسان اشراقی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دوکوتز بوئه، موریس. (۱۳۶۵). مسافرت به ایران: دوران فتح‌علی شاه قاجار. مترجم: محمود هدایت، تهران: جاویدان.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.
- دهگان، ابراهیم. (۱۳۹۳). تاریخ اراک. ج دوم، تهران: زرین و سیمین
- زهرائی، فضل‌الله. (۱۳۴۱). دورنمای خوانسار. تهران: نشر مؤلف (چاپ رنگین).
- _____ (۱۳۷۰). گلستان خوانسار. تهران: نشر مؤلف.
- ژوبر، پیر آمده. (۱۳۴۷). مسافرت در ارمنستان و ایران. مترجم: علی‌قلی اعتمادمقدم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- سیف‌الدوله، سلطان محمد. (۱۳۶۴). سفرنامه سیف‌الدوله (سفرنامه مکه). تصحیح و تحشیه: علی‌اکبر خداپرست، تهران: نشر نی.
- شاردن، ژان. (۱۳۷۲). سفرنامه شاردن. مترجم: اقبال یغمایی، تهران: توس.
- شهری‌باف، جعفر. (۱۳۸۳). طهران قدیم. ج اول، تهران: معین.
- شیروانی، زین‌العابدین. (بی تا). بستان‌السیاحه. تهران: کتابخانه سنائی.
- صدر، حسین. (۱۳۵۸). شصت سال زندگی من، ما و آن‌ها. خوانسار: نشر مؤلف (چاپخانه شب‌نم).
- صدیقیان، حسین و صادقی، ابراهیم. (۱۳۹۲). «تولیدات چوبی و هنرهای وابسته به آن در خوانسار طی ادوار مختلف اسلامی». فصلنامه باستان‌پژوه، سال پانزدهم، ش ۲۰، ۵۹-۷۲.
- فورو کواوا، نوبویوشی. (۱۳۸۴). سفرنامه فورو کواوا. مترجم: هاشم - رجب‌زاده و کینیچی ئەاورا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کیهان، مسعود. (۱۳۱۱). جغرافیای مفصل ایران. تهران: مطبعه مجلس.
- کریمیان، حسن؛ صدیقیان، حسین. (۱۳۹۷). شهر خوانسار در عصر قاجار. تهران: جهاد دانشگاهی.
- مستوفی، عبدالله. (۱۳۸۴). شرح زندگانی من: تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه از آقامحمدخان تا آخر ناصرالدین‌شاه. تهران: زوار.
- مورتسنس، اینگه مانث. (۱۳۷۷). کوچ‌نشینان لرستان: تاریخ فرهنگ مادی و گله‌چرانی در غرب ایران. مترجم: محمدحسین آریا، تهران: پژوهنده.
- موریه، جیمز. (۱۳۹۰). سرگذشت حاجی بابای اصفهانی. مترجم: میرزاحیب اصفهانی، با مقدمه محمد گلبن، تهران: نگاه.
- موسوی اصفهانی، میرزاحسن. (۱۳۹۲). روزنامه سفر مشهد، مکه و عتبات (۱۳۱۶-۱۳۱۵ ق.). به-کوشش: رسول جعفریان و حمیدرضا نفیسی، تهران: مشعر.

- URL5: <https://harvardartmuseums.org/collections/object/215857?position=0> (موزه هنر هاروارد).
- URL6: <https://www.horniman.ac.uk/object/1982.451> (موزه هورنیمَن).
- URL7: <https://www.nms.ac.uk/explore-our-collections/collection-search-results/spoon/321650> (موزه ملی اسکاتلند).
- URL8: [http://www.smbdigital.de/eMuseum-Plus?service=direct/1/ResultLightboxView/result.t1.collection_lightbox.\\$TspTitleImage-Link.link&sp=10&sp=Scollection&sp=Sfield-Value&sp=0&sp=1&sp=3&sp=Slightbox_3x-4&sp=0&sp=Sdetail&sp=0&sp=F&sp=T&sp=9](http://www.smbdigital.de/eMuseum-Plus?service=direct/1/ResultLightboxView/result.t1.collection_lightbox.$TspTitleImage-Link.link&sp=10&sp=Scollection&sp=Sfield-Value&sp=0&sp=1&sp=3&sp=Slightbox_3x-4&sp=0&sp=Sdetail&sp=0&sp=F&sp=T&sp=9) (موزه قوم‌شناسی برلین).
- میرمحمدی، حمیدرضا. (۱۳۷۸). *جغرافیای خوانسار*. قم: کنگره آقاحسین خوانساری.
- مصاحبه با مهدی رجیبی خوانساری (۱۳۹۵). در کارگاه منبت‌کاری و قاشق‌تراشی ایشان واقع در شهر خوانسار.
- مصاحبه با مرحوم میرزا احمد فرجی (۱۳۹۵). در شهر خوانسار.
- مصاحبه با سید حسین غضنفری (۱۳۹۵). در شهر خوانسار.
- Herbert Baily, J. T. 1912, Some Persia Sherbet spoon, in *The Connoisseur magazine*, Vol.33, pp 194 - 196.
- Lamarre, Clovis, 1878, *La Perse le Siam et le Cambodge et l'exposition de 1878*, Paris, Librairie Ch. Delagrave.
- Lorimer, J. G. 1908, *Gazetteer of the Persian Gulf, Oman and Central Arabia*, Vol2, Geographical and Statistical, Calcutta: Superintendent Government Printing.
- Nelson, G. 1879, "Travels in Persia", London, Colburn's United Service Magazine and Naval and Military Journal, Hurst and Blackett publisher, part 1.
- Smith, R. M. 1877, *Persian Art*, New York, Scribner, Welford, and Armstrong Publisher.
- Tavernier, J. B. 1678, *The Six Voyages of John Baptista Tavernier*, translated by Joan Phillips, London, Printed for R.L and M.P.
- Wills, C. J. 1886, *Persia as It Is*, London, Sampson. Low, Marston, Searle & Rivington.
- URL1: <https://asia.si.edu/research/iran-in-photographs/the-collections/myron-bement-smith-collection-gn/35/> (موزه ملی هنر آسیایی، مجموعه اسمیت).
- URL2: https://www.britishmuseum.org/collection/object/W_As1972-Q-1484 (موزه بریتانیا).
- URL3: <https://collectie.wereldculture.nl/#/query/143b5136-52bc-4633-8ee8-516931dff9cf> (موزه تروپن).
- URL4: <https://collections.vam.ac.uk/item/O118314/sherbet-spoon-unknown> (موزه ویکتوریا و آلبرت).

Analytical Research on Spoon-cutting Art from Past to Present Case Study from Khansar City, Iran

Mohsen Mehrabi¹, Hossein Sedighian²

1- Master of History, University of Isfahan

2- Assistant Professor, Department of Archeology, University of Lorestan (Corresponding Author)

DOI: 10.22077/NIA.2021.4554.1513

Abstract

In Iran, the production of wooden works and related arts has always had a special significance for artists and craftsmen. Unfortunately, the process of producing and decorating many of these works has been overlooked for several reasons. Spoon cutting is a traditional art in Iran that has long been practiced by a large number of woodcarving artists in some cities such as Khansar and Abadeh. Currently, except for a few artists, not many people are engaged in this profession. Khansar is one of the most prestigious cities in Iran in the field of spoon-cutting art, where many workshops have been engaged in producing these works in the past. In the field of traditional spoons produced in Khansar City, no scientific and purposeful research has been conducted so far, and it is necessary to pay more attention to this traditional and almost forgotten art. Accordingly, the main purpose of this study was to describe and analyze Khansar spoon-cutting art. The research method was descriptive-analytical, and the method of gathering data was a mix of field studies, interviews with local people, museums and library studies. According to the results, compared with other spoon-cutting centers, the distinctive feature of Khansar artifacts is the production of simple single-or decorative spoon-cutting works. Thus, several types of small and large spoons with different applications were produced, that are introduced in this study.

Key words: Spoon cutting, Khansar, Qajar period, woodcarving.

1 - Email: mohsen.mehrabi395@gmail.com

2 - Email: Sedighian.h@lu.ac.ir